

## **Research into biography and works of Darwish Ashraf Maraghi and the significance of correcting his Divan**

**Ali Pedram Mirzaei<sup>\*</sup>, Ali Mohammad Poshtdar<sup>\*\*</sup>**

**Leila Dehesh<sup>\*\*\*</sup>**

### **Abstract**

Ashraf Maraghi is one of the unknown poets of the ninth century and is one of the contemporaries of Purbudaq and Sultan Baysanghar and his son Sultan Mohammad. The name of this poet is Hossein, and his nickname is Abu Ali, and his pseudonym is Ashraf. Many poems of this prolific poet are in different poetic forms. Among these works, we can refer to his Divan, Nasr-al-Leali, and Khamse Ashrafieh, the latter of which includes Manhaj-Al Abrar, Riyad -Al Asheghin, Leyli and Majnun, Haft Awrang, and Zafarnameh. In this paper, it was intended to introduce the existing versions of all his poems using a descriptive-analytical method along with introducing this poet. Examining the list of handwritten editions, it was found that four of Ashraf's manuscripts are available in the libraries of Hatef Effendi, Fateh, Hagia Sophia, and the British Museum. The Hatef version, written by Mahmud Khomari in 846 and which is the basic version of the current correction, includes odes, lyrics, quatrains, and refrains. Another edition, which was written in 846 AH, belongs to Fateh Library and includes the lyrics of this poet. The third edition is

\* Associate Professor Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author), [ali.pedram.mirzaei@gmail.com](mailto:ali.pedram.mirzaei@gmail.com)

\*\* Associate Professor Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran, [am.poshtdar@gmail.com](mailto:am.poshtdar@gmail.com)

\*\*\* PhD student in Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran, [liladehesh@gmail.com](mailto:liladehesh@gmail.com)

Date received: 27/02/2021, Date of acceptance: 17/06/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

from the Hagia Sophia library. The latest version is the one available in the British Museum, edited and published by Yusuf Beg Babapour.

**Keywords:** Version Correction, ninth century poetry, Divan of poems, stylistic analysis, Ashraf Maraghi.



## جست‌وجو در احوال و آثار درویش اشرف مراغی و ضرورت تصحیح کلیات اشعار او

علی پدram میرزایی\*

علی محمد پشت‌دار\*\*، لیلا دهش\*\*\*

### چکیده

اشرف مراغی از شاعران ناشناخته‌ی قرن نهم و از معاصران پیربوداق و سلطان بایسنقر و پسرش سلطان محمد است. نام این شاعر حسین و کنیه‌ی او ابوعلی و تخلص شعریش اشرف است. از این شاعر پرکار اشعار بسیاری در قالب‌های مختلف شعری برجای مانده است. از جمله‌ی این آثار می‌توان به کلیات اشعار او و منظومه نثر الالکی و خمسه‌ی اشرفیه که مشتمل است بر ۱- منهج الابرار ۲- ریاض العاشقین ۳- لیلی و مجنون ۴- هفت اورنگ ۵- ظفرنامه اشاره کرد. در این نوشتار برآنیم به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی، علاوه بر معرفی این شاعر به معرفی نسخه‌های موجود کلیات اشعار او نیز بپردازیم. از بررسی فهرست نسخه‌های خطی، مشخص شد که از کلیات اشرف چهار نسخه در کتابخانه‌های حالت افندی، فاتح، ایاصوفیا و موزه‌ی بریتانیا موجود است. نسخه‌ی حالت، نسخه‌ی اساس این تصحیح، شامل قصاید، غزلیات، رباعیات و یک ترجیع بند است و محمودخماری در سال (۸۴۶ هـ) آن را تحریر کرده است. نسخه‌ی دیگر مربوط به کتابخانه‌ی فاتح بوده و تاریخ کتابت آن سال (۸۶۴ هـ) و شامل غزلیات این شاعر است.

\* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

ali.pedram.mirzaei@gmail.com

\*\* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، am.poshtdar@gmail.com

\*\*\* دانشجوی دکتری، زبان و ادبیات فارسی، مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران،

liladehesh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۸

نسخه‌ی سوم مربوط به کتابخانه‌ی ایاصوفیاست. آخرین نسخه، نسخه‌ی موجود در موزه‌ی بریتانیاست که یوسف بیگ باباپور آنرا تصحیح و چاپ کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** تصحیح نسخه، شعر قرن نهم، کلیات اشعار، تحلیل سبک‌شناسانه، اشرف مراغی.

## ۱. مقدمه

عصر تیموری از دوره‌های مهم تاریخ ادبیات ایران و در واقع از آخرین دوره‌های درخور توجه ادب فارسی است. این قرن

از حیث بسیاری شعرا و نویسندگانی که در خارج از ایران، می‌زیسته‌اند یکی از پرتین و غنی‌ترین ادوار تاریخی ایران بشمار می‌رود و حتی با دو قرن دیگر که از این حیث امتیاز دارند یعنی با قرن ششم و هفتم نیز برابری می‌کند (نفیسی، ۱۳۴۴: ۲۲۷).

تیمور با تمام خونریزی‌ها و جنایات خود به هنر و ادبیات توجه خاصی داشت و به همین روی عده‌ی زیادی از اهل علم و هنر را به سمرقند فرستاد. در دوره اعقاب تیمور نیز همین روش تداوم یافت به گونه‌ای که در دوران سلطنت الغ بیگ و بایسنقر و سلطان حسین بایقرا از اهل هنر تجلیل می‌شد و به همین روی سمرقند، هرات، شیراز، تبریز و اسلامبول از مراکز رواج هنرهای گوناگون محسوب می‌شد (غلامرضایی، ۱۳۸۷: ۲۰۶).

با وجود افزونی شمار شاعران و درخشش شاعرانی چون حافظ، خواجه‌ی کرمانی و سلمان ساوجی، عباس اقبال معتقد است که:

بسته شدن مراکز عمده‌ی ادب فارسی در خراسان و عراق، فروپاشی دربارهایی که شاعران و نویسندگان را حمایت می‌کردند و مشوق آنان بودند و نیز محور رجال و یا خاندان‌های بزرگ که پیش از تهاجم مغولان به ایران و حتی مدتی دست به دست هم داد و سبب محو استادانی بزرگ همچون استادان ایام کهن ادب فارسی شد.... شعر و نثر به دست افرادی افتاد که در اکثر مواقع از قریحه و هنری متوسط برخوردار بودند. بنابراین شعر فارسی همانند خود زبان فارسی و در واقع مثل سایر شعبه‌های معارف در این دوره به اندازه‌ی کافی به شکوفایی دست نیافت (اقبال، ۱۳۹۰: ۴۱۷).

اشرف مراغی از شاعران عارف مسلک دوره‌ی تیموری است که علی‌رغم کثرت اشعارش، کمتر نام و نشانی از او در تذکره‌ها و کتب تاریخ ادبیات فارسی آمده است.

## ۲. پیشینه تحقیق

بررسی مراجع معتبر نظیر کتابخانه‌ی ملی و مجلس و سایت‌های اینترنتی ثبت مقالات و پایان‌نامه‌ها و فهرستواره نسخه‌های خطی، گویای این است که تا کنون مجموعه‌ی اشعار این شاعر تصحیح و چاپ نشده است. یوسف بیگ باباپور منتخبی از غزلیات این شاعر را براساس نسخه‌ای که در موزه‌ی بریتانیا موجود بوده، تصحیح و انتشارات منشور سمیر آن را چاپ کرده است.

نخجوانی در مقاله‌ای که در نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تبریز منتشر شده، این شاعر و آثارش را شناسانده است. مهم‌ترین مآخذ وی در نوشتن این مقاله علاوه بر نسخه خطی کلیات اشعار اشرف، «عرفات» اوحدی بلیانی و «ریاض الشعرا» علی قلی‌خان واله داغستانی می‌باشد. او در ادامه، چند بیت از اشعار اشرف را از گراورهایی که در اختیار داشته نقل کرده است. ماهیت این مقاله موجب شده، نویسنده‌ی محترم به بررسی ویژگی‌های سبکی و محتوایی این اثر نپردازد.

علاوه بر این‌ها، محمدعلی تربیت در کتاب «دانشمندان آذربایجان» در مدخلی با عنوان درویش اشرف مراغی این شاعر را معرفی کرده است. وی نسخه‌ی کاملی از کلیات این شاعر را در دست داشته که در دیباچه‌ی آن، سال کتابت این اثر (۸۵۹هـ) ثبت شده است. سعید نفیسی نیز در کتاب «تاریخ نظم و نثر» فقط نام و آثار این شاعر را آورده است. افزون بر این، هرمان‌آته در کتاب تاریخ ادبیات خود، ضمن معرفی نظیره پردازی‌هایی که از نظامی شده به هفت اورنگ اشرف مراغی اشاره کرده است. در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی نیز مدخلی به قلم سید محمد سیدی به معرفی اشرف مراغی اختصاص دارد.

### ۳. معرفی اشرف مراغی و آثارش

#### ۱.۳ نام و نسب شاعر

در تذکره‌های معروف و معتبر به نام اشرف مراغی، با وجود داشتن آثار متعدد، اشاره‌ای نشده، فقط در کتاب عرفات العاشقین اوحدی، تذکره ریاض العارفین و تذکره روز روشن اشاره‌ی مختصری شده است. یگانه منبعی که بیشتر از همه به معرفی این شاعر پرداخته، مقاله‌ی استاد نخجوانی است.

نام این شاعر در برخی منابع به صورت اشرف و نام پدرش ابوعلی حسین ضبط شده است (مدرس تبریزی، ج ۱، ۱۳۷۴: ۱۲۸؛ خیام‌پور، ۱۳۷۲: ۶۶؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۹: ۷۸؛ نخجوانی به نقل از تربیت، ۱۳۴۳: ۱۲۱).

برخی دیگر از محققان نام این شاعر را اشرف، ندانسته بلکه تخلص شعری او را به این نام دانسته‌اند به همین روی نام او را حسین و نام پدرش را حسن و کنیه‌ی او را ابوعلی دانسته‌اند (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۲۸؛ سیدی، ۱۳۶۷: ۴۲؛ نفیسی، ۱۳۴۴: ۳۰۹).

طیّار مراغی در کتاب میراث شیعه، در این باره بحث مستوفایی داشته و بنا به چهار دلیل انتساب نام اشرف را به این شاعر رد کرده و آن را اشتباه کاتب نسخه‌ی دیوان او دانسته است:

اول. «اشرف» عنوانی است که بیشتر به عنوان تخلص شعری به کار می‌رفته تا نام خاص؛ چنانکه در حدود ۲۵ شاعر و سخنور با تخلص اشرف می‌شناسیم و تقریباً کم‌تر کسی را می‌توان یافت که در آن عصر، نام خاصش اشرف باشد. دوم. در عنوان مذکور، برای پدر اشرف، صفات و القابی هم‌چون «الشیخ الامام السعید قدوه‌ی ارباب الحدیث» شمرده شده، در حالی که ما شخصی را که دارای این القاب باشد و مخصوص این که «سرکرده‌ی اصحاب حدیث» در تاریخ مراغه نمی‌شناسیم...

سوم. اشرف دو فرزند به نامهای علاء الدین علی و نظام الدین خضر داشته که در دیوانش از آنها یاد کرده و سروده‌هایش را به آنها اهدا کرده است. کنیه‌ی «ابوعلی» که مدعی نسبت آن به خود اشرف هستیم، در لسان عرب از نام فرزند گرفته شده، به پدر اطلاق می‌شود.

چهارم محققانی که پس از مرحوم تربیت از اشرف و آثارش نام برده‌اند، همین کتبه و نام ابوعلی حسین بن حسن مراغی را برای اشرف ذکر کرده‌اند، از آن جمله‌اند، مرحوم محمدعلی مدرس خیابانی، مرحوم طاهری شهاب، مرحوم سعید نفیسی و برخی دیگر (طیّار مراغی، ۱۳۸۰: ۲۷۲-۲۷۳).

### ۲.۳ ولادت، زادگاه و وفات اشرف

تاریخ ولادت اشرف دقیقاً معلوم نیست و «از این سخنور گمنام در تذکره‌های معروف از قبیل نصرآبادی و آتشکده‌ی آذر و مجمع الفصحا و غیره نام و نشانی به نظر نرسیده» (نخجوانی، ۱۳۴۳: ۱۲۰). مرحوم تربیت در این باره می‌نویسد: «از سخنوران قرن نهم هجری است، در دیباچه کلیات وی که در نزد نگارنده موجود و به تاریخ (۸۵۹ ه) در حیات مؤلف نوشته شده است» (تربیت، بی تا: ۱۴۷). از این سخن چنین برمی‌آید که وی در این سال زنده بوده است و از طرف دیگر چون اشرف همیشه با شاهزاده پیربوداق خان فرزند جهانشاه بوده و بعد از مرگ او به تبریز آمده، بنابراین او در سال‌های (۸۵۹ ه) در قید حیات بوده است.

نویسنده‌ی کتاب صحف ابراهیم تاریخ وفات اشرف را سال (۸۵۴ ه.ق) ذکر کرده است. اغلب تذکره نویسان و مورخان، به تبع او، تاریخ وفات این شاعر را سال (۸۵۴ ه.ق) نوشته‌اند (نفیسی، ۱۳۴۴: ۳۰۹؛ اته، ۲۵۳۶: ۸۴). ولی مرحوم تربیت به این دلیل که «چون میرزا پیربوداق در سنه‌ی (۸۶۱ ه) کشته شده و لذا تاریخ منقول در صحف ابراهیم صحت ندارد یا درویش اشرف در بغداد حاضر نبوده و یا در تاریخ فوت او سهو واقع شده بنابراین محتمل است فوت درویش اشرف در سنه‌ی (۸۶۴ ه) واقع شده باشد (تربیت، بی تا: ۱۴۷). علاوه بر تربیت، آقا بزرگ تهرانی و خیام‌پور نیز سال وفات اشرف را (۸۶۴ ه) ذکر کرده‌اند (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۷۸؛ خیام‌پور، ۱۳۷۲: ۶۶).

دولت آبادی معتقد است، فوت اشرف در سال (۸۷۴) اتفاق افتاده است (دولت آبادی، ۱۳۷۷: ۸۱/۲).

زادگاه اشرف بر حسب انتساب او به مراغه که در تذکره‌ها و منابع مرتبط با این شاعر، مراغی ثبت شده است مراغه می‌باشد (نخجوانی، ۱۳۴۳: ۱۲۰؛ خیام‌پور، ۱۳۶۸: ۶۶؛ نفیسی، ۱۳۴۴: ۳۰۹).

هرمان آته به دلیل حیات اشرف در زمان سلطان شاهرخ در هرات وی را اشرف هراتی نامیده است (آته، ۲۵۳۶: ۸۴).

در منابع دیگر اشرف را به خیابان - محله‌ای در تبریز - منسوب کرده و از او با عنوان اشرف خیابانی یاد کرده‌اند (تربیت، بی‌تا: ۱۴۷؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۴۰۳/۹؛ طیار مراغی، ۱۳۸۰: ۲۸۰).

### ۳.۳ معاصران اشرف

اشرف سال‌ها با پیر بوداق از شاهزادگان قراقویونلو و فرزند جهان‌شاه خان پادشاه همراه و هم‌نشین بوده به گونه‌ای که بعد از کشته شدن این شاهزاده، اشرف به تبریز آمده و گوشه‌نشینی اختیار کرده است. اشرف با وجود این دوستی و مودت‌نامی از وی در دیوان خود نیاورده است (صحف ابراهیم به نقل از تربیت، بی‌تا: ۱۴۷؛ نخجوانی ۱۳۴۳: ۱۲۱؛ سیدی ۱۳۶۷: ۴۲؛ دولت آبادی، ۱۳۷۷: ۸۱).

نفیسی این شاعر را معاصر بایستقر و پسرش سلطان محمد دانسته است (نفیسی، ۱۳۴۴: ۳۰۹). علاوه بر این شاهان و شاهزادگان تیموری از دیگر معاصران اشرف می‌توان نظام الدین قاری و شاه نعمت‌الله ولی را نیز نام‌برد (سیدی، ۱۳۶۷: ۴۲).

### ۴.۳ خلق و خوی اشرف

اشرف شاعری درویش و صوفی مسلک و منسوب به فرقه‌ی نعمت‌اللهی بوده و به همین روی درویش نیز نامیده شده است (سیدی، ۱۳۶۷: ۴۲). اوحدی بلیانی در معرفی او این گونه نوشته است: «درویش اشرف از شعرای صاحب فطرت و از فقرای صاحب حالت است. مجرد، مستغنی، بی‌نیاز، سنجیده، خوش فهم و گوشه‌نشین بوده» (اوحدی، ۱۳۸۹: ۴۶۹/۱). مرحوم تربیت باز به نقل از همین مؤلف می‌نویسد «اشرف خیابانی مردی درویش، نمدپوش، قورجوق پیچ بوده به مردم کم‌آمیختی و تتبع خمسه کرده است» (تربیت، بی‌تا: ۱۴۷). صبا در تذکره‌ی روز روشن اشرف را این‌گونه معرفی کرده است: «اشرف درویش قاطع تعلق از بیگانه و خویش بود» (صبا، ۱۳۴۳: ۵۲).



اشرف بعد از مرگ پیربوداق از بغداد به تبریز آمده و گوشه نشین شده و احتمالاً همین گوشه‌گیری از خلق، موجب شده او گمنام بماند.

### ۵.۳ مذهب اشرف

از خلال اشعار اشرف چنین برمی‌آید که مذهب اشرف تشیع بوده است. علاوه بر این، دلیل دیگر شیعه بودن اشرف مراغی این است که؛ او از پیروان طریقت نعمت‌اللهی بوده (سیدی، ۱۳۶۷: ۴۲). و این فرقه از شعبه‌های تصوف شیعی است. اشرف در قصیده‌ای که به مدح ائمه (ع) پرداخته نام دوازده امام را به ترتیب آورده که بر پیروی او از آیین تشیع اثنی‌عشری دلالت دارد.

ای دل چو شد هدایت و توفیق راهبر	کز بعد مصطفی به علی کردی اقتدا...
تا هر زمان فتوح دگر رو نمایندت	بعد از علی به جاه حسن التجا نما...
سر حسن ز سینه‌ی پاک حسین جو	بعد از حسن حسین بود شاه و مقتدی...
دانی که نقد معنی زین العباد کیست	یا کیست پیروی را از بعد او سزا...
باقر که چون نبی و ولی بی‌نظیر بود	در علم و در فراست و در حلم و در حیا...
خواهی شناوری کنی اندر محیط فیض	از صدق دل به جعفر صادق شو آشنا...
معنی صادق از دل کاظم ظهر کرد	در راه مهر کاظم اگر مؤمنی درآ...
از بعد کاظم آنک رضا شد امام او	یاور نگشت یک‌قدم از راه اهتدا...
بعد از تقی علی نقی را امام دان	در راه دین که شرط اقامت بود بقا...
ذوق نقی طلب مکن آلا ز عسکری	شیرینی از غسل بطلب نور از ذکا...
ختم ائمه مهدی صاحب زمان شناس	که اهل زمانه را همگی اوست ملتجا...

(اشرف مراغی، فا: ۱۷)

### ۶.۳ آثار اشرف

اشرف شاعری پر کار بوده و در قالب‌های مختلف شعر از قبیل قصیده، غزل، قطعه، رباعی، مثنوی و ... شعر سروده است، به گونه‌ای که اشعار او را به اندازه دو برابر خمسه نظامی دانسته‌اند (تربیت، بی.تا: ۱۴۷). آثار به دست آمده از اشرف عبارتند از:

۱.۶.۳ مثنوی‌های پنجگانه که در مقابل پنج گنج نظامی سروده شده است و مشتمل بر پنج مثنوی است:

مثنوی اول: منهج الابرار که به تقلید از مخزن الاسرار نظامی در سال ۸۳۲ سروده شده و آغاز آن با این بیت است:

بسم الله الرحمن الرحيم هست سرآغاز کتاب کریم

مثنوی دوم: خسرو شیرین است که در تاریخ ۸۳۶ تمام کرده و به ریاض العاشقین موسوم است و اوّلین بیت آن این است:

خداوند اره بهبود بنمای نقاب از چهره‌ی مقصود بگشای

مثنوی سوم: حکایت لیلی و مجنون است که در سال ۸۴۲ به نظم کشیده است و مطلع آن این است:

ای دل ز تو دیده روشنایی و ز تو به تو کرده آشنایی

مثنوی چهارم: بنام هفت اورنگ و عشقنامه موصوف است و نظیره گویی هفت پیکر نظامی است و نخستین بیت آن این است:

ای زمین گستر و زمان آرای وی جهان پرور جهان پیرای

مثنوی پنجم: ظفرنامه است که در سال ۸۴۸ به اتمام رسیده است و بیت اول آن، این است:

خدایا تویی پادشاه همه خداوندی تو پناه همه

(نخجوانی، ۱۳۴۳: ۱۲۱-۱۲۲)

نصرالله مبشری طرازی در کتاب فهرست المخطوطات الفارسی (فهرست کتب خطی فارسی در مصر) از پنج مثنوی اشرف این گونه نام برده است:

خمسه‌ی اشرفیه سروده‌ی اشرف است و آن از پنج مثنوی تشکیل شده است. مثنوی اول منهج الابرار است، اول آن:

خدایا تویی پادشاه همه خداوندی تو پناه همه...الخ

جست‌وجو در احوال و آثار درویش ... (علی پدram میرزایی و دیگران) ۳۹۵

این نسخه‌ی خطی مجلد و جدول دار و آراسته و تزیین شده با طلا و رنگ‌های مختلف با قلم فارسی زیبایی است که در آخر ذی القعدةی سال (۸۸۵ ه.ق) در ۲۷۶ ورق ۱۷ سطری در ابعاد ۱۶×۲۳ کتابت شده است و در آن نقاشی‌های رنگینی کشیده شده است. هم‌چنین در آن تقدیم و تاخیر و نقص است. این نسخه با شماره ۴۳۲۰ س در دارالکتب قاهره نگهداری می‌شود (مبشّری طرازی، ۱۳۸۷/۱: ۱۲۳) نیز (منزوی، ۱۳۴۹: ۲۶۷۱ و ۳۲۴۵).

علاوه بر این نسخه‌ها، نسخه‌ی خطی دیگری از کلیات اشرف در کتاب‌خانه‌ی بادلیان (Bodleian) به شماره‌ی ۸۷۴ نگهداری می‌شود و کتابت آن به سال (۸۶۱ ه.ق) است.

### ۲.۶.۳ نظم نثرالآلی

این اثر ترجمه‌ی منظوم نثر اللّآلی، کلمات ارزشمند حضرت علی(ع) است که در قرن ششم نوشته شده است و نام نویسنده آن مبهم است. آقا بزرگ تهرانی گردآورنده‌ی این اثر را امین الاسلام فضل بن حسن بن فضل طبرسی (م ۵۴۸ ق) یا علی بن فضل الله بن علی راوندی (قرن ۶ ق) می‌داند (آقا بزرگ تهرانی، نقل از طیار مراغی، ۱۳۸۰: ۲۶۶).

این کتاب مجموعه‌ای از روایات روایت شده از امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - است که به ترتیب حروف الفبا و از طریق اوّل جملات تنظیم شده است. در این رساله ۲۵۸ جمله قصار در ۲۹ باب، جمع آوری شده و حرف «لام» و «الف لا» نیز یک جمله شمرده شده است و به قول مرحوم استاد محمّدتقی دانش پژوه این گونه ترتیب و تنظیم می‌رساند که تاریخ نگارش این رساله پیش از سده ششم هجری نیست (طیار مراغی، ۱۳۸۰: ۲۶۶).

این منظومه در ۲۹ باب بر اساس حرف آغازی احادیث است. اشرف دلیل سرودن این اثر را در ابتدای این منظومه این چنین عنوان کرده است:

... روح «اشرف» ز روح مرتضوی	قابل فیض تازه گشت به نوی
پر شمسوار معرفت بگشود	نظم «نثر اللّالیم» فرمود
گفت اشرف تو این در مشور	نظم کن تا شوی مشهور...

(همان: ۲۸۱)

بیت نخست این منظومه این است:

انت معبودی و انت خَلّاقی      دایم الملک و دایم الباقی

و تاریخ کتابت آن در خاتمه به سال (۸۳۸ق) ثبت شده است.

آن زمان کین نگار نعمایی      جلوه‌گر شد ز روی زیبایی  
هجرت پاک احمد مختار      هشتصد و سی و هشت بود شمار  
روز سه شنبه از مه رمضان      نوز یک هفته مانده تا پایان

طیّار مراغی این نسخه‌ی مستقل از کلیّات اشعار اشرف را بر اساس مقابله با دو نسخه چاپی (چاپ سنگی سال ۱۳۱۴ق و چاپ سربی مؤسسه کوشانپور) تصحیح و چاپ کرده‌اند (طیّار مراغی، ۱۳۸۰: ۲۷۶/۳).

### ۳.۶.۳ ترجمهٔ منظوم صد کلمه

اشرف صد کلمه از حضرت علی(ع) را در سال (۸۳۸ق) با قطعات فارسی ترجمه کرده است (نخجوانی، ۱۳۴۳: ۱۲۱).  
«از این منظومه نسخه‌یی در کتابخانه‌ی طاهری شهاب (ساری) و نسخه‌یی به شماره ۷۷۳ در کتابخانه‌ی مجلس هست» (منزوی، ۱۳۴۹/۲: ۱۷۷۱).

### ۴.۶.۳ دیوان اشعار اشرف

این دیوان شامل قصاید، مقطعات، غزلیات و رباعیات و یک ترجیع بند است و چهار بخش عنوان الشباب، خیرالامور، باقیات صالحات و مجدّد التجلیات را دارد (نفیسی، ۱۳۴۴: ۳۰۹؛ نخجوانی، ۱۳۴۳: ۱۲۱؛ سیّدی، ۱۳۶۷: ۴۲). «خود مولانا آنها را به چهار دیوان قسمت کرده و به هر یکی از آنها دیباچه نوشته» (تربیت، بی.تا، ۱۴۷).

از این دیوان، چند نسخه در کتابخانه‌های ترکیه نگهداری می‌شود. تصویر این نسخه‌ها از کتابخانه‌ی سلیمانیه با مشخصات ظاهری زیر به دست آمده است.

### ۱.۴.۶.۳ نسخهٔ اساس

این نسخه در کتابخانه‌ی حالت افندی نگهداری می‌شود و کامل‌ترین نسخه‌ی دیوان اشرف مراغی است و دربردارنده‌ی قصاید و غزلیات و رباعیات است. علاوه بر این یک ترجیع بند نیز در این دیوان دیده می‌شود. این نسخه با خطی نسبتاً خوانا و در ۲۹۷ برگ دو صفحه‌ای، تحریر شده و در صفحه‌ی آخر سال کتابت آن سال (۸۴۶ق) ضبط شده است. از این نوشته (من کُتِب السید محمد اسراری المولوی ساکن خانقاه علطه ۱۲۰۷) چنین برمی‌آید که این دیوان اهدایی این فرد باشد. در این پژوهش این نسخه با علامت «حا» مشخص شده است.

### ۲.۴.۶.۳ نسخه بدل اول

این نسخه مربوط به کتابخانه فاتح است و غزلیات و چند تک بیت را شامل می‌شود و ۱۸۷ برگ دارد. تاریخ کتابت این نسخه در پایان این گونه ذکر شده است: «تمت بحمد الله و حُسن توفیقه فی شهر سنه ۸۶۴ اقل عباد الله الملك الباری محمود خماری عفا الله عنهم». شیوه‌ی کتابت این اثر و مختصات رسم الخط آن نظیر گذاشتن سه نقطه در زیر حرف «س» مؤید تاریخ مندرج در صفحه‌ی آخر این اثر است. نشانه‌ی «فا» نشان‌گر این نسخه بدل است. بخش عظیمی از غزلیات این نسخه در نسخه‌ی حالت افندی موجود نیست. این نسخه سالم بوده و جز در چند مورد معدود آن‌هم در حد یک یا چند کلمه افتادگی و خدشه دار بودن، در بقیه‌ی موارد قابل خواندن است.

### ۳.۴.۶.۳ نسخه بدل دوم

نسخه‌ی متعلق به کتابخانه ایاصوفیا است. این نسخه ده برگ دو صفحه‌ای دارد که با خطی خوانا و زیبا تحریر شده است در میانه‌ی ورق‌های این کتاب در نقشی زیبا این گونه نوشته شده است: «انتخاب دیوان مولانا اشرف» که در واقع منتخبی از غزلیات این شاعر است.

### ۴.۴.۶.۳ نسخه بدل سوم

نسخه‌ی موزه‌ی بریتانیا است. این نسخه گزیده‌ای از اشعار اشرف است و شامل ۴۷ غزل می‌باشد. یوسف بیگ باباپور آن را تصحیح و چاپ کرده است.

۳۹۸ کهن‌نامه ادب پارسی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

### ۷.۳ رسم الخط نسخه‌های موجود دیوان اشرف مراغی

رسم الخط این نسخه‌ها نزدیک به هم بوده و با خطی خوانا تحریر شده‌اند. مهم‌ترین ویژگی‌های مشترک رسم الخط این آثار عبارتند از:

#### ۱.۷.۳ انضمام حرف اضافه «ب» به کلمه‌ی بعد از خود

دو قدم بادب زن که تا نسوزندت که در گداز درم ، دستیار کوره دمست  
(اشرف مراغی، فا: ۳)

#### ۲.۷.۳ حرف س آخر به صورت کشیده با سه نقطه در زیر آن

#### ۳.۷.۳ جابه‌جایی «ا» میانجی با «ی»

#### ۴.۷.۳ جابه‌جایی «ای نقش نمای اضافه» با «ء»

#### ۵.۷.۳ نوشتن چهار حرف فارسی «پ، چ، ژ، گ» به اشکال مختلف

چهار حرف فارسی «پ، چ، ژ، گ» در طی قرون مختلف با علامت خاص یا بدون آن نوشته می شدند، در قرن نهم نیز این شیوه مرسوم بوده است (متینی، ۱۳۴۷: ۱۴۸-۱۴۷). در دیوان غزلیات اشرف مراغی نیز این کاربرد دیده می شود؛

#### ۱.۵.۷.۳ حرف گ

این حرف در هر دو نسخه‌ی فاتح و حالت افندی بدون علامت خاص است.

مرو ز راه بنیرنک و نقش بندی نفس که مار را به همه حال در شکمست

(اشرف مراغی، فا: ۳)

#### ۲.۵.۷.۳ حرف ژ

این حرف در نسخه‌ی فاتح همیشه با علامت و در نسخه‌ی حالت افندی بدون علامت به کار رفته است.

جست‌وجو در احوال و آثار درویش ... (علی پدram میرزایی و دیگران) ۳۹۹

در رهش دیدیم و در پایش نیفکندیم سر این تحسّر همچنان در خاطر پیمان ماست  
(اشرف مراغی، حا: ۱۱۰)

رهبری راهدان بجوی که هست چاه در راه و اژدها در چاه  
(اشرف مراغی، فا: ۱۵۳)

### ۳.۵.۷.۳ حرف پ

حرف پ نیز مانند حرف ژ در نسخه‌ی فاتح با علامت خاص و در نسخه‌ی حالت افندی بدون علامت به کار رفته است.

نشست و به بهلوی خود داد جایم ز بهلوی او با قمر میزدم دوش  
(اشرف مراغی، حا: ۲۳)

آن پری روی گهی جانب ما روی نکرد استخوان شدم و هم سگ او بوی نکرد  
(اشرف مراغی، فا: ۵۲)

### ۳.۵.۷.۴ حرف چ

این حرف در هر دو نسخه بدون علامت خاص است.

۳.۷.۶ حذف «ه» غیرملفوظ هنگام اضافه شدن به «ها» نشانه جمع

خانه‌ها --- خانها

۳.۷.۷ قرار ندادن علامت «مد» بر روی حرف «آ» در اغلب موارد

۳.۷.۸ افزودن «می» و «بی» به فعل و اسم

#### ۴. شاخصه‌های زبانی، فکری و ادبی کلیات اشرف مراغی

شعر اشرف متأثر از شرایطی است که شاعران قرن نهم با آن مواجه بودند و شاخصه‌های زبانی، ادبی و فکری او منبعث از همین عوامل است. به همین روی شاخصه‌های فردی که بتوان آن را صرفاً مختص وی دانست در اشعار او دیده نمی‌شود. با وجود این در ویژگی‌های مشترک شعر اشرف با شاعران معاصر خود شواهدی قابل تأمل وجود دارد.

#### ۱.۴ شاخصه‌های زبانی

زیان و کارکرد هنری آن از مهم‌ترین عناصری است که به شعر این دوره تشخیص سبکی بخشیده و این ویژگی در دیوان اشرف مشهود است و مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

#### ۱.۱.۴ سادگی و روانی اشعار او

شعر فارسی در قرن نهم بر روی هم متمایل به سادگی و روانی بود. اگر چه بعضی شاعران بر اثر پیروی از قدما یا به سبب تمایل به صنعت‌ها و تکلف‌های شاعرانه به شعر مصنوع روی آوردند اما این امر عمومیت نداشت (صفا، ۳/ ۱۳۸۸: ۶۸).

بیشتر مثنوی‌ها و همه‌ی غزل‌ها و غالب قصیده‌ها به زبان ساده‌ی روان و گاه نزدیک که زبان محاوره ساخته می‌شد و یکی از سبب‌های سستی برخی از ابیات در این دوره، همین نزدیکی به زبان محاوره است (همان: ۶۸).

شعر اشرف شعری ساده و قابل درک است و خالی از تعقیدهای لفظی در کلام و معنا است. بیان برخی از مفاهیم صوفیانه ایجاب می‌کرد که شاعر از کاربرد زبان مغلق و مبهم پرهیز کند تا هدف غایی از سرودن این اشعار که انتقال پیام به مخاطب است برآورده شود.

#### ۲.۱.۴ نزدیک شدن زبان شعری این شاعر به زبان محاوره‌ای و بازاری

زرین‌کوب درباره‌ی این خصیصه‌ی شعری قرن نهم می‌نویسد:



### جست‌وجو در احوال و آثار درویش ... (علی پدram میرزایی و دیگران) ۴۰۱

مقارن این ایام، کساد بازار قصیده سرایی که خود مولود عدم مرکزیت و فقدان وحدت فرمانروایی ناشی از فترت ملوک الطوائفی بود، شعر را از دربار ملوک و امرا به مجالس عامه و طبقات بورژوا سوق داد و به همین سبب غزل و قصه‌های منظوم بزمی که با ذوق عامه توافق بیشتر داشت، بیش از سایر انواع شعر مورد توجه شد... از این رو در طی زمان شعر به دست عوام افتاد که غالباً به مجرد ذوق و قریحه لب به شاعری گشودند و اکثر از لوازم و مقدمات شعر و شاعری که فی‌المثل در کتاب‌هایی مثل چهار مقاله و قابوسنامه بدانها اشارت رفته بود، عاطل و عاری بودند (زرین‌کوب، ۱۳۸۳: ۳۸۳).

این ویژگی در دیوان اشرف در جای جای دیوان او دیده می‌شود ولی این گرایش به زبان محاوره‌ای به گونه‌ای است که موجب تنزل کلام او نگردیده است.

اشرف به سر خویش منه پای درین راه      رو، یار به دست آر که با یار توان رفت  
(اشرف مراغی، فا: ۳۸)

کشمت گفت و با رقیب انداخت      خواب نیمی دروغ و نیمی راست  
(همان)

کاسد شدند حسن فروشان و همچنان      غوغای عاشقیست بگرد دکان تو  
(همان، ۱۲۵)

در هیچ شهر نیست که آوازه‌ی تو نیست      باور ز مات نیست پیرس از مسافرا  
(همان: ۱۳۷)

#### ۳.۱.۴ آفرینش ترکیب‌های نو

این گونه ترکیب‌ها متشکل از اضافات و موصوفات و به شکل مرسوم یا مقلوب است. نمونه‌ای از این ترکیب‌هاست:

رشاشه‌ی کرم (همان: ۲۵)، اشجار قلم (همان: ۳۰)، خام‌سوزان هوا (همان: ۴۰)، سردار عشق (همان: ۶۱)، کرشمه‌ی آواز (همان: ۷۱)، قند مکرر (همان: ۸۱)، سیاح خم زلف (همان: ۹۱)، غلوای حیرت (همان: ۹۷)، قمار نظر (همان: ۱۰۰)، نگار حلوایی (همان: ۱۲۳)، نازنینان معانی (همان: ۱۵۵).

#### ۴.۱.۴ تداوم به کارگیری واژگان عربی

زبان عربی در ایران همراه با توسعه دین اسلام و ادامه آن در میان ایرانیان، نفوذ و تأثیر روزافزون می‌یافت و بنا بر همان اصل است که هر چه به دوران‌های اخیر نزدیک‌تر شویم تأثیر زبان تازی را در زبان فارسی بیشتر می‌یابیم. اما به واقع در منشآت این عهد {تیموری} حتی در آثار ساده و خالی از تکلف و تصنع، میزان به کاربردن واژه‌ها و ترکیب‌های تازی بیرون از شمارست و بدتر از همه آنکه همراه این واژه‌ها و ترکیب‌ها، قاعده‌های زبان تازی نیز به پارسی راه یافت و پیداست که این هر دو جریان امری تازه نبود بلکه ادامه رسمی بود که از حدود قرن ششم آغاز شده و در قرن هفتم و هشتم افزایش یافته و در قرن نهم تندتر از پیش گردیده بود و بعد از آن دوران هم از شتاب باز نایستاد (صفا، ۳/ ۱۳۸۸: ۶۱).

شعر اشرف مراغی نیز با تبعیت از همین فضای غالب بر زبان این عصر مملو از واژگان و ترکیبات عربی است. جمع‌های مکسر، شبه جمله‌های عربی و اصطلاحات خاصی که از زبان عربی به فارسی رسوخ کرده، در شعر او مشهود است. کلمات و ترکیباتی نظیر؛ دون‌القلتین، لامع، مناہی، قلت استحقاق، فی الحال، علی الصباح، ذوفنون، مافی الضمیر، خاص الخاص، حب الوطن...

#### ۵. شاخصه‌های فکری اشرف مراغی

##### ۱.۵ انعکاس اندیشه‌های عرفانی

روحیه‌ی شکست خورده‌ی ایرانیان بعد از حمله‌های ویرانگر مغولان و فراهم شدن زمینه‌های گسترش تصوف و عرفان با عنایت شاهان بویژه تیموریان موجب گردید که صوفیان و عارفان مجال بهتری پیدا کنند.

تیمور در حق صوفیه اعتقادی داشت و هر شهری که می‌گشود در خانقاهها و بقعه‌های آن به زیارت مشایخ می‌رفت و آن را مقدمه‌ی کامیابی‌ها و پیروزی‌های خویش می‌شناخت و نیز صحبت وی با شیخ زین الدین ابوبکر تایبادی از همین مقوله بود (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۳۸۰).

جست‌وجو در احوال و آثار درویش ... (علی پدram میرزایی و دیگران) ۴۰۳

وجود شاعران عارف مسلک و انعکاس اندیشه‌های عرفانی مؤید این سخن است. نکته‌ی مهم در شعر این قبیل شاعران آن است که عرفان مطرح شده در اشعار آنان عرفانی است تقلیدی.

شمار اصطلاحات صوفیانه چندان است که هم سبب شده تا اگر اندک تجربه‌های حالی نیز شاعر داشته است در میان خیل غزل‌های مملو از اصطلاحات منظوم تصوف ابن عربی گم شود. ازدحام این اصطلاحات چندان است که می‌توان فرهنگ اصطلاحات و رموز عرفانی مانند: خرابات، عشق، شراب، جام جم و ... باعث متکلف شدن سخن آنان و فاقد جوش و جذبه‌ی شاعرانه شدن آن شده است (عباسی، ۱۳۸۳: ۶۳).

قالب مناسبی که در این دوره برای بیان این اندیشه به کار گرفته شد قالب غزل است که شاید غزل به معنی خاص چندان مناسب نیست و آن قسم غزل عبارت است از نظم‌ی مشتمل بر ذکر مطالب و عقاید و آرا و مقامات و حالات اهل سلوک و اصطلاحات صوفیه به نحو روشن و آشکار بدون توجه به این که مطالب به زبان استعارات و کنایات شاعرانه بیان شود (غنی، ۱۳۵۶: ۵۶۲-۵۶۳).

شعر اشرف مراغی نیز انعکاس دهنده‌ی این نوع عرفان است.

بیان ساده حالات و رموز عرفانی و تفسیر اصطلاحات عرفانی بویژه بیان وحدت وجود در جاهای بسیاری از دیوان او نمایان است. وحدت وجود که از ارکان معنوی تصوف است از مهم‌ترین مضامین شعری این دوره محسوب می‌شود، به گونه‌ای که اگر این مضمون را از شعر این دوره سلب کنند، دیگر معنی قابل‌ی باقی نمی‌ماند (یار شاطر، ۱۳۳۴: ۱۶۴).

نزد اشرف این دویها هیچ نیست نیست عالم را به غیر از یک خدا  
(اشرف مراغی، فا: ۸)

یار یک، حسن یک، تجلی یک به جز از یک همه هدر باشد  
(اشرف مراغی، حا: ۳۶)

همان گونه که گفته شد اشرف نیز مانند سایر اقران خود در بیان مفاهیم عرفانی از استادان پیشین تقلید کرده، به گونه‌ای که گاهی این نظیره‌گویی به حدی روشن است که با خواندن آن، سرچشمه اصلی به ذهن متبادر می‌گردد.

اصطلاحات عرفانی و رموزی که در کتاب‌های تعلیمی صوفیان قبلاً شرح و بسط شده‌اند در دیوان اشرف باز به آن‌ها برمی‌خوریم اصطلاحاتی مانند: قبض، بسط، سماع، لطف، قهرو نیستی، ماجرا، تجرید، جمع و تفرقه، تجلی، تجرید یا تفرید. گویی

این شاعران عرفان‌گرای، با انباشتن غزل‌های خویش از فرهنگ عرفانی ابن عربی (۶۳۸-۵۶۰ق) و اصطلاحات خاص تصوف او، شعر خویش را به عرفان سنجاق می‌زنند یا عرفان را به شعر خویش و دیوان‌های ایشان بیش از آن‌که ارزش عرفانی داشته باشد به درد آن می‌خورد که شواهد از آن استخراج شود برای اصطلاحات صوفیه (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۶۰-۵۹).

علاوه بر این اشرف گاهی توصیفات خود را از طبیعت و محیط پیرامون به تعبیرات عرفانی و حکمی پیوند داده‌است و در این شیوه مانند ناصر خسرو توصیفات او صرفاً مادی نیست.

زمان عیش و ایام بهارست	شراب عیش در جام بهارست
چمن را کار بر کام بهارست	جهان پر شهرت و نام بهارست
گل رنگین دلارام بهارست	جهان با توسنی رام بهارست
بدین خوبی که ارقام بهارست	حقیقت نی ز ایام بهارست
ز صنع صانع حیّ قدیم است	ز جود قادر فرد کریم است...

(اشرف مراغی، حا: ۴۷)

## ۲.۵ عشق و جلوه‌های آن

عشق و مراتب آن از بن‌مایه‌های اصلی شعر اشرف است و تشخیص خاصی به شعر او به‌ویژه غزلیاتش داده‌است. این عشق منبعت از تجارب شخصی او در تبعیت از فرقه نعمت‌اللهیه است. به نظر او عشق واقعی، نیروی کشش به سوی مقصد و گشاینده‌ی درهای حقایق به روی عاشق است - این عشق حقیقی است که به هر چیزی هستی می‌بخشد و بی‌آن، پیر صد و چهل ساله، طفلی بیش نیست و سینه‌ای که تهی از

جست‌وجو در احوال و آثار درویش ... (علی پدram میرزایی و دیگران) ۴۰۵

عشق است دیگر نمی‌توان آن را صدر خواند همان گونه که قفس بدون پرنده، هیچ ارزشی ندارد.

این عشق حقیقی مرا کشت تا ظن نبری مجاز کشتست

(اشرف مراغی، فا: ۲۷)

نشان عشق قدیمست محو کی گردد مگوی چون که صفت‌های عشق بی‌چون است  
(همان)

عاشقانی را که به آیین محبت میرند تا دم صورقیامت همه رابستایند  
(همان: ۶۰)

معشوق در نظر او ازلی و در جمال و کمال بی‌همتاست و عاشق باید در برابر او مطیع محض باشد و در برابر جفاهای او دم فرو بندد.

حسن آن اوست کس را با او چه چاره باشد حسن همه‌حیبیان زواستعاره باشد  
(همان: ۷۴)

اگر جفای تو بیش است و گر وفای تو کم مرا شکایتی از بیش و کم نمی‌آید  
(همان: ۶۱)

آن‌چه موجب زیبایی و دل‌نشینی معشوق است، لطیفه‌ای پنهانی است که به «آن» تعبیر شده است:

اگر جفای تو بیش است و گر وفای تو کم مرا شکایتی از بیش و کم نمی‌آید  
در همه ساده رخی شیوه‌ی محبوبی نیست هر که آن داشت ز خوبان جهان آن دانست  
(همان: ۲۵)

به عمری می‌شنیدم نکته‌ی آن بدیدم حسن تو آن خود همین است  
(همان: ۴۳)

اشرف به آن شمایل دل برد از تو دلبر خود دل‌بری نباشد آنرا که آن نباشد  
(همان: ۸۶)

### ۳.۵ تعلیمی بودن شعر اشرف

پند و موعظه در ادبیات فارسی همواره مطرح بوده است و شاعران بسیاری به این موضوع توجه داشته و در موضوعات مربوط به این موتیف اشعاری سروده اند. در شعر صوفیانه این موضوع ملموس تر است. اشرف مراغی نیز در این زمینه اشعار بسیاری سروده است، موضوعاتی از قبیل: رازداری، دوری از مردم آزاری، نهی از غرور و فریفته شدن به کثرت عبادات و درویش نوازی.

دل درویش میازار که آزرده شوی      هر که آزار کند در سر آزار شود  
(اشرف مراغی، فا: ۶۳)

بدی مکن که پشیمان و شرمسار شوی      اگر شراب خوری عاقبت خمار شوی  
(همان: ۱۶۳)

زهد و نماز و روزه و تسبیح و ذکر و فکر      بهر خودست این همه منت به ما منه  
(همان: ۱۵۴)

از آن جایی که اغلب غزل‌های این شاعران (دوره‌ی تیموری) محصول فرآیند خودآگاهی و هوشیاری شاعر است و جهت‌گیری پیام نیز متوجه مخاطب است به همین سبب نقش تعلیمی زبان در غزل‌های آنان برجسته می‌شود و وظیفه‌ی زبان بر پایه‌ی معنی‌دار بودن آن و ابزار انتقال معنی استوار است (عباسی، ۱۳۸۳: ۶۲).

این خصوصیت را در شعر اشرف بویژه در غزلیات او نیز می‌توان دید.

### ۴.۵ بیزاری از زهد و زاهدان ریایی

تزهّد و زاهدان دروغین که از قرن‌های قبل در شعر شاعرانی چون حافظ و عبید زاکانی به باد انتقاد گرفته شده بودند، در این دوره نیز همچنان از تیررس انتقادات شاعران در امان نبودند. اشرف در دیوان خود بارها انزجار خود را از این گونه زاهدان بروز داده و وجود آن‌ها را مایه عذاب و دردسر دانسته است.

از این زهّاد رسمی در عذابم      نه بوی معرفت نی رنگ اسلام  
(اشرف مراغی، حا: ۱۳۰)

جست‌وجو در احوال و آثار درویش ... (علی پدram میرزایی و دیگران) ۴۰۷

من از زهد گفتم بخندید و گفتا      که می نوش و طامات زهاد منبوش  
(همان: ۲۳)

شکم پر شبهه و آنکه عیب رندان      فغان زین فاسقان پارسا نام  
(همان: ۱۳۰)

او زهد و پارسایی را در صداقت و پاک نیتی می‌داند و به همین دلیل از این قوم منافق  
بیزار است.

دل که خالص بود پرده‌ی زهدش چه سود      قلب سیه بود و رفت مس زراندود شد  
(همان: ۷۹)

نیز رک: شکم پر شبهه و... (همان: ۱۳۰)، می خوارگی زهد... (همان: ۷۶).

## ۵.۵ انتقاد از صوفیان دروغین

اشرف همچون حافظ و سایر اسلاف خود، علاوه بر پارسایان و زاهدان ربایی از صوفیان  
نیز انتقاد کرده است.

منظور او در واقع مستصوفانی است که زی صوفیانه را دامی برای صید  
ساده‌لوحان کرده‌اند.

صوفی به پنج کاسه‌ی می خوش دهد به باد      ناموس زهد و طاعت پنجاه ساله را  
(اشرف مراغی، فا: ۷)

## ۶.۵ اعتقاد به بی‌اعتباری دنیا و مافیها

بی‌وفایی دنیا و گذرا بودن آن نه تنها در میان شاعران عارف مسلک بلکه در میان سایر  
شاعران و حتی غیر شاعران نیز نکوهش شده است. تا جایی که این نکوهش به سب و  
دشنام کشیده است و به همین روی حضرت علی (ع) فرموده است که: «لاتسبوا الدهر و ان  
لربکم ایام فی دهرکم» اشرف نسبت به دنیا خوش‌بین نبوده و آن را غلاری دانسته که عیش

او بی خماری نیست و به همین روی ناپایداری انسان در جهان و جدایی او از جهان به واسطه‌ی مرگ را عاملی قوی برای دل نبستن به دنیا دانسته است:

نیست عالم را وفایی گوش کن      کین معانی از بیان عالم است  
(اشرف مراغی، حا: ۲۴)

نیز:

جهان ای پسر اعتباری ندارد      گلی نیست در وی که خاری ندارد  
مکن تکیه بر عهد ایام چندین      که عهدی چنان استواری ندارد  
مشو مست سودای عالم که عالم      ندارد میی کو خماری ندارد  
(همان: ۲۴)

نیز:

با دوستان نزاع مدار از برای مال      جنگ از برای جیفه‌ی دنیا سگان کنند  
(همان: ۹۰)

## ۷.۵ غنیمت شمردن فرصت

یکی از تعالیم پیران طریقت تصوف غنیمت شمردن دم و ابن الوقت بودن است این بن مایه در شعر اشرف نیز دیده می‌شود:

عیش امروز به فردا مفکن باده بنوش      که ندانست کسی عاقبت فردا را  
(همان: ۶)

دور خوبی گذرانست غنیمت دارش      که محال است که امسال دگر بار شود  
(همان: ۶۲)

## ۶. شاخصه‌های ادبی

با این که ادبیات منظوم دوره‌ی تیموریان به سادگی گرایش دارد اما برخی از شاعران به صنایع لفظی و معنوی تمایل دارند. «این تمایل به صنعت پردازی در شعر فارسی امری تازه



جست‌وجو در احوال و آثار درویش ... (علی پدram میرزایی و دیگران) ۴۰۹

و منحصر به همین دوره نیست بلکه باید گفت تصنع برخی از شاعران این عهد یک نوع پیروی از استادان پیشین است» (صفا، ۳/ ۱۳۸۸: ۷۲).

شعر اشرف نیز به تبعیت از فضای غالب و حاکم بر ادبیات منظوم، شعری ساده و روان و گاهی با برخی از صنایع بدیع لفظی یا معنوی با در نظر گرفتن اصول بلاغت بود. از مهم‌ترین آرایه‌هایی که در دیوان او بسامد بالایی دارند، می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد.

### ۱.۶ تشبیه

تشبیهات در دیوان اشرف غالباً به صورت اضافات تشبیهی و بلیغ و از نوع محسوس و مفرد است.

بودچشمم بدان پیکان غمزه و گر دورم کند صد تیر پرتاب  
(اشرف مراغی، فا: ۱۱)

تو گنجی و از لب تو ما را دشنام که می‌رسد زکاتست  
(همان: ۲۲)

تو شاه عرصه‌ی حسن و حریف پاک نظر رخی نمای که هستی خویش در باز  
(همان: ۷۰)

### ۲.۶ استعاره

استعاره‌های به کار رفته در این دیوان ساده و زودپاب و مسبوق به سابقه است و درک آن نیاز به وسایط بسیار نیست:

ما چو در پای تو می‌غلطیم ای نخل جوان از وفاداری بما گر سر در آری عیب نیست  
(همان، ۱۹)

جان بی‌آرام من آشفته‌ی جانان شدست در هوای آفتابی ذره‌ی رقصان شدست  
(همان، ۲۱)

قاصد از قصه‌ی من جانب آن شمع طراز می‌رود سوخته و سوخته تر می‌آید  
(همان، ۶۳)

### ۳.۶ ارسال المثل

به کارگیری مثل یکی از شگردهای القا و تفهیم بهتر مفاهیم عرفانی بوده که در برخی از متون نظم و نثر عرفانی به شکل‌های مختلفی کاربرد داشته است. در دیوان اشرف این آرایه کاربرد فراوانی داشته و مثل‌ها به زبان‌های فارسی و عربی نقل شده است. این ضرب المثل‌ها گاه به شکل کامل و گاهی قسمت‌هایی از آن‌ها اقتباس شده است ولی به دلیل شهرت، خواننده به اصل آن‌ها پی می‌برد. مانند نمونه‌های زیر:

۱. گندم از گندم بروید جو ز جو

دینی که هست مزرع مزوع آخرت گندم طمع مدار اگر کشته‌ای شعیر  
(اشرف مراغی، حا: ۱۲)

۲. کلّ اناء یترشّح فیه

می‌تراود مهر او از سینه‌ام خواننده باشی در مثل کلّ انا  
(اشرف مراغی، فا: ۸)

۳. الوجه عنوان الباطن (رنگ رخساره خبر می‌دهد از سر ضمیر)

سرخ‌ی اشک نگر و ز دل خون گشته مپرس مثلی هست که عنوان درون بیرونست  
(همان: ۱۳)

### ۴.۶ جناس

تو مرد در دانه‌ای زاهدات طریق تو این نیست تو را که خانه نشینی بزاد راه چه حاجت  
(همان: ۱۵)

اگر وفا کنی و گر جفا تو می‌دانی به هر چه حکم کنی اختیار من در آن است

جست‌وجو در احوال و آثار درویش ... (علی پدram میرزایی و دیگران) ۴۱۱

(همان: ۲۰)

قدش از راستی و راست رویی چون الف در میان جان جاکرد

(همان: ۱۰۲)

گر شکر را نه به شکر تو خورند چاشنی بی مزه آید به دهان

(همان: ۱۰۵)

## ۵.۶ طرد و عکس

در عیار کفّهی میزان حلمت کاه کوه در شمار کفّ جود بی شماریت کوه کاه

(همان: ۲۸)

هر چه آسان بخلافت دشوار هر چه دشوار بلطفیت آسان

(همان: ۵)

## ۶.۶ ایهام

گفتی چپست با تو رقیب ای حیب من بر خاک آستان تو که با ما راستست

(همان: ۱۹)

تا ز آب دیده‌ی من آبیگری کرده‌ی تیغ ابروی تو شد بازار تیر از مشتری

(همان)

ندیم خلق شوی تا خوش آمد گویی بهوش باش که اصل ندامت از ندمست

(اشرف مراغی، فا: ۳)

## ۷.۶ کنایات

پا در شکم بودن مار

از راه رفتن

مرو ز راه بنیرنگ و نقش بندی نفس      که مار را بهمه حال پای در شکمست

(همان: ۳)

گرد از کله خاستن

گرد از کله‌ای نخاست ما را      تا خاک رخت نشد سر ما

(همان: ۸)

ابرو بهم کشیدن

آیین دلبريست ز مردم رميدنش      ابرو بهم کشیدن و از گوشه دیدنش

(همان: ۱۱۱)

## ۸.۶ تقلید از شاعران پیشین

نظیره‌گویی و تبّع از شاعران پیشین از موضوعات برجسته‌ی ادبیات منظوم و مثنوی قرن نهم است. همین امر موجب گردیده آثار بسیاری در این زمینه خلق شود. البته باید به این نکته توجه کرد که تقلید از پیشینیان در طول تمام این قرن مرسوم نبود بلکه «آنانی که در میان نسل بعد به شعر و شاعری روی آوردند سبکی را اتخاذ کردند که کاملاً نو و جدید بود. آنان حتی به انتقاد از مقلدان استادان کهن پرداختند» (صفا، ۱۳۷۹: ۲۱۹).

اشرف مراغی نیز به تقلید از نظامی، خمسه‌ای سرود که در معرفی آثار وی در ابتدای این مقاله معرفی شد. علاوه بر این در کلیات اشعار او ابیاتی به چشم می‌خورد که در شیوه‌ی بیان یا مضمون از شاعران پیشین اخذ شده است. مانند:

جز عاشقی هنر نبود پیش پیر ما      ای بی‌هنر بکوش که صاحب هنر شوی

(منبع پیشین، ۱۷۲)

یادآور این بیت حافظ است:

ای بی‌خبر بکوش تا صاحب‌خبر شوی      تا راهرو نباشی کی راهبر شوی

(حافظ، بی تا: ۳۴۶)

اسرار عشق و رندی بی‌عشق را نگویند      عاقل کجا امانت با خائن سپارد

جست‌وجو در احوال و آثار درویش ... (علی پدram میرزایی و دیگران) ۴۱۳

(اشرف مراغی، فا: ۷)

یادآور این بیت حافظ است:

با مدعی مگویند اسرار عشق و مستی تا بی خبر بمیرد در درد خودپرستی  
(حافظ، بی تا: ۳۰۲)

علاوه بر ابیات مذکور اشرف از شاعران دیگری همچون سعدی، مولوی، خاقانی و ... مضامینی را اخذ کرده است.

برای دیدن نمونه‌های بیشتر: ر.ک به اشرف مراغی، فا: (۲۴، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۹، ۵۰، ۵۷، ۶۱، ۶۳، ۷۱، ۸۸، ۸۹، ۹۷، ۱۲۶، ۱۵۳، ۱۵۸ و ...).

## ۷. نتیجه‌گیری

عصر تیموری در تاریخ ادبیات ایران از حیث کثرت شاعران و آثاری که به تقلید از بزرگان پیش از این دوره خلق شده، درخور تأمل است. یکی از شاعرانی که از دید تاریخ ادبیات نویسان فارسی پنهان مانده، ابوعلی حسین اشرف مراغی است. این شاعر پرکار آثار متعددی در زمینه‌های مختلف عرفانی، تعلیمی، غنایی و ... از خود بر جای گذاشته است.

کلیات اشعار، خمسه‌ی اشرفیه (۱- منهج الابرار ۲- ریاض العاشقین ۳- لیلی و مجنون ۴- هفت اورنگ ۵- ظفرنامه) منظومه نثر الالائی از آثار اوست.

غزلیات عاشقانه - عارفانه‌ی اشرف به شکل تعلیمی دربردارنده‌ی انبوهی از اصطلاحات عرفانی است. غزلیات اشرف سبک فردی به خصوصی ندارد و در واقع همچون سایر اقران خود مضامین شاعران عارف مسلک پیش از خود را در قالب ترکیبات و ساختار جدیدی مطرح کرده است.

زبان شعری اشرف در همه قالب‌های شعری، زبانی ساده و روان است و در کاربرد واژگان عربی و ترکی متعادل است و از نظر ادبی اشعار او بی‌پیرایه و خالی از آرایه‌های ادبی نیست ولی آرایه‌های به کاررفته، ساده و زودیاب هستند. انبوهی از ضرب‌المثل‌ها که خود مجموعه‌ی زیبایی از فرهنگ عامه‌ی منعکس شده در کلیات این شاعر می‌تواند باشد، به این اثر جلوه‌ی خاصی بخشیده است. موضوع دیگری که درباره‌ی آثار این شاعر باید یادآور شد این است که با وجود تقلید شاعران این دوره از استادان پیشین، اشرف مقلد

صرف نبوده بلکه با نبوغ شعری خود تغییراتی در شیوه‌ی بیان این مضامین به وجود آورده است. بیش‌ترین نظیره‌گویی و استقبال او از شاعرانی نظیر نظامی، مولوی، حافظ، سعدی و استادان دیگر است. اندیشه‌ها و تفکرات منعکس شده شاعر در این اثر منبعث از تعالیم فرقه نعمت‌اللهیه و تفکر شیعی است و نمونه این تفکرات را در مدح‌نامه (علیهم‌السلام) و طرح مضامین عرفانی می‌توان دید.

### پیوست‌ها

نمونه‌هایی از نسخه‌های اشرف مراغی

۱. نمونه‌ای از نسخه‌ی نگهداری شده در کتابخانه‌ی فاتح



۲. نمونه‌ای از نسخه‌ی نگهداری شده در کتابخانه‌ی ایاصوفیا



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## کتاب‌نامه

- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، (۱۴۰۳ق)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، نجف، انتشارات مکتبه الذریعه العامه.
- اته، هرمان، (۲۵۳۶)، تاریخ ادبیات فارسی، ترجمه صادق رضازاده شفق، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اشرف مراغی، ابوعلی حسین، (۸۶۴)، دیوان اشرف، نسخه خطی کتاب‌خانه فاتح، ترکیه، استانبول.
- اشرف مراغی، ابوعلی حسین، (بی تا)، دیوان اشرف، نسخه خطی متعلق به کتاب‌خانه ایاصوفیا، ترکیه، استانبول.
- اشرف مراغی، ابوعلی حسین، (۸۴۷ه.ق)، دیوان اشرف، نسخه خطی متعلق به کتاب‌خانه حالت افندی، ترکیه، استانبول.
- اقبال آشتیانی، عباس و حسن پیرنیا، (۱۳۹۰)، تاریخ مفصل ایران (از آغاز تا پایان سلسله‌ی پهلوی)، تهران، انتشارات دنیای کتاب.
- اوحدی، تقی‌الدین محمد، (۱۳۸۹)، عرفات العاشقین، ج ۱، تصحیح ذبیح‌الله صاحبکاری و آمنه فخر احمد، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب.
- بیگ باباپور، یوسف، (۱۳۹۳)، منتخب غزلیات اشرف مراغی، تهران، نشر منشور سمیر.
- تربیت، محمدعلی، (بی تا)، دانشمندان آذربایجان، چاپ دوم، تبریز، ناشر بنیاد کتاب‌خانه فروشی.



## جست‌وجو در احوال و آثار درویش ... (علی پدram میرزایی و دیگران) ۴۱۷

خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی، (بی تا)، دیوان غزلیات، به اهتمام محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی، تهران، کتابخانه زوار.

خیامپور، عبدالرسول، (۱۳۷۲)، فرهنگ سخنوران، ج ۱، تهران، انتشارات طلایه.

زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۳)، از گذشته‌ی ادبی ایران: مروری بر نثر فارسی، سیری در شعر فارسی با نظری بر ادبیات معاصر، تهران، انتشارات سخن.

سیدی، سید محمد (۱۳۶۷)، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی به سرپرستی محمد کاظم موسوی، ج ۹، ذیل مدخل «اشرف مراغی»، تهران، مرکز دایره‌ی المعارف بزرگ اسلامی.

شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۸)، زبور پارسی / نگاهی به زندگی و غزل‌های عطار، تهران، انتشارات آگاه.

صبا، مولوی محمد مظفر حسین، (۱۳۴۳)، تذکره روز روشن، به تصحیح و تحشیه‌ی محمد حسن رکن آبادآدمیت، تهران، کتابخانه رازی، چاپ اسلامیّه.

صفا، ذبیح الله، (۱۳۷۹)، ادبیات فارسی در قلمرو تیموریان و ترکمانان، چاپ شده در کتاب تاریخ ایران دوره‌ی تیموریان پژوهش از دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات جامی.

صفا، ذبیح الله، (۱۳۸۸)، تاریخ ادبیات ایران، ج ۳، تلخیص از دکتر محمد ترابی، تهران، انتشارات فردوس.

طیار مراغی، محمود، (۱۳۸۰) نظم نثر اللئالی، مجموعه مقالات میراث حدیث شیعه، به کوشش مهدی مهریزی، علی صدراپی خوبی، از صفحه ۲۶۵ تا ۳۲۸، تهران، مؤسسه علمی و فرهنگی و دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.

عباسی، حبیب الله، (۱۳۸۳)، قاصر از معنی نو، حرف کهن، دو فصلنامه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلّم، سال ۱۲، شماره‌ی ۴۶-۴۵، تابستان و پاییز

غلامرضایی، محمد، (۱۳۸۷)، سبک شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو، تهران، انتشارات جامی.

غنی، قاسم، (۱۳۵۶)، بحث در آثار و افکار و احوال حافظ؛ دو جلدی، تهران، انتشارات زوار.

مبشّری طرازی، نصرالله، (۱۳۸۷)، فهرست کتب خطی فارسی در مصر، (فهرست المخطوطات الفارسیه)، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی طب اسلامی و مکمل.

متینی، جلال، (۱۳۴۷)، «تحوّل رسم الخطّ فارسی از قرن ششم تا قرن سیزدهم»، مشهد، نشریه دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال چهارم، پاییز.

مدرس تبریزی، مبرزآمده علی، (۱۳۷۴)، ریحانه الادب، ج ۱، تهران، خیام.

۴۱۸ کهن‌نامهٔ ادب پارسی، سال ۱۲، شمارهٔ ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

منزوی، علینقی، (۱۳۴۹) فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۴، تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای.  
نخجوانی، حسین، (۱۳۴۳)، اشرف تبریزی، نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تبریز، دوره ۱۲،  
شماره‌ی ۵۳.

نفیسی، سعید، (۱۳۸۶)، تاریخ نظم و نثر در ایران در زبان فارسی: تا پایان قرن دهم هجری، تهران،  
کتاب هرمس.

یار شاطر، احسان، (۱۳۳۴) شعر فارسی در عهد شاهرخ، نیمه‌ی اوّل قرن نهم یا آغاز انحطاط در  
شعر فارسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

